



اجتماعیات مقام ادب و ادبا

در حیات بشر

شکسپیر ، گوئته ، تولستوی
نگارش آقای غلام جیلانی خان جلالی

این سه نفر نویسنده و شاعر که عبارة از ویلیم شکسپیر ، گوئته ، تولستوی باشند بشمولیت ویکتور هوگو که شرح او بیشتر نوشته آمد از نو اینویسازند که هر کدام بنوبه خود در آسمان ادب و فلسفه ستاره شباخت دارند که نظر بتاثیر آثار فراموش ناشدنی خود شان همیشه می درخشیدند بلی اهمیت و افتخار مقام ادبی این طور ژنیها بقوم و ملت می محصور و مخصوص نیست بلکه بموجب فرموده خود آنها که علوم و وطن ندارد دنیای معارف همه افراد بزرگ را رجال بین المللی و خدمت گاران را سخ حیات بشر است می شناسیم ، شرح حال و تاثیر ادبیات این سه نفر نویسندگانرا ذیلاً مطالعه میکنیم :

ویلیم شکسپیر : ویلیم شکسپیر یکی از ادبی نفسیات دنیا است که تا حال شاعر و نویسنده به بلندی طبع و وسعت فکر و عظمت مقام او در ادبیات

عهد جدید و قدیم انگلستان ظهور نه نموده است علای نفسیات ویلیم شکسپیر را اولین نویسنده و شاعر ز بردست عالم می شناسند ، و میگویند هر گاه در انگلستان بدون شکسپیر هیچ ادیب و نویسنده بوجود نمی آمد تنها آثار او کفایت میکرد که مملکت انگلیس را در قطار بزرگترین ممالک ادبی عالم قرار دهد چه بعد ازین هر چه زمان بگذرد و یا به پیشرفت و ترقی تمدن پایه فکر و دانش بشر بلند شود به بزرگی مقام شکسپیر افزوده خواهد شد و آثار او در ردیف آثار موثره ادبی مورد تجلیل و احترام عموم واقع خواهد گشت .

خانواده و تحصیلات او : ویلیام شکسپیر در ۲۳ اپریل ۱۵۶۴ در شهر استراتفورت از بلاد انگلستان متولد شد ، پدر او

مرد صنعت پیشه و به تجارت پشم مصر و فیت داشت مادرش از طبقه ملاکین و خانواده دهاقین بود اما پدر و مادر او با اینکه دارای استطاعت بلند مادی نه بودند ولی از حیث اخلاق و ملکات حسنه صاحب مزایای بودند که در مرثت و تربیت فکری فرزندشان تاثیر زیاد داشت مخصوصاً قانون وراثت از هوش و فطانت ذاتی مادر بشاعر جوان نصیبی به سزا رسانیده بود .

شکسپیر پس از رسیدن بسن رشد در مدرسه بجائی استرات فورت داخل گردیده در آنجا علاوه بر تحصیلات مقدماتی اندکی زبان یونانی و لاتینی را نیز یاد گرفت و از همان زمان خوردی آثار هوش و استعداد فوق العاده از ناصیه او ظاهر بود . بعد از انجام تحصیلات ابتدائی بسبب عدم استطاعت نتوانست بمدرسه متوسطه و عالی شامل گردد لکن با این دامن طلب را از کف نداده همیشه بمطالعه کتب تاریخ و ادبیات و کتب فضائل و اخذ معلومات سعی بوده قریحه و استعداد ذاتی خود را بدانش اکتسابی مجهز می گردانید ، گذشته بر کسب اطلاعات تاریخی و ادبی بقوه مطالعه در حقوق ، طب و الهیات نیز تسلطی کافی حاصل نمود .

حیات انفرادی و اجتماعی او : شکسپیر در سال ۱۵۸۲ بسن ۱۸ سالگی

ناهل اختیار کرد در سن ۲۲ سالگی وارد لندن گردید ، باعث این مسافرت او هم این بود که در استرات فورت گاوی دزدی شده مالک زمین نظر بهمان واقعه سرقت گاو شکسپیر را شدیداً تعقیب میکرد بناءً مشارالیه مجبور گردید تا بلندن فرار کند ، در لندن شاعر جوان اولاً شامل کارهایی ناتر شد زیرا شکسپیر ، علاوه بر ذوق شاعرانه که داشت در ضمن مطالعات خود با نواع مکتوبات عصری آشنا شده قریحه او بنامه نگاری میل مفرطی پیدا کرده بود در لید و امثالیه آثار خانه های مصر و فیتش از اکتوری و تنظیم رها و نوشتن بیسهای کوچک بود ولی رفته رفته استعداد فطری او ظاهر گردیده متدرجاً بر شهرت و مقام او افزود حتی پس از شش سال در لندن نهایت معروف گشته اشتهار فوق العاده او باعث رشک و حسد همکارانش واقع آمد - ولی در همین حال قریحه رسای او جلب توجه اشراف و درباریان را نموده در برابر منظومه « ویلس آدنس » هزار لیره یکی از درباریان با و صلح تقدیم کرد - ملکه الیزابت که شایق ادبیات ، مخصوصاً ناتر بوده آثار و نوشتجات شکسپیر را بر غبت تمام مطالعه میکرد و مشارالیه را بنوشتن تشویق می نمود - این شاعر در حسن معاشرت و صداقت و خوشخوئی معروف اقران و همکاران ادبی خود بوده تمام نویسندگان معاشرش در آثار خود از خوبی اخلاقی او را تعریف نموده اند هکذا شخصاً در تنظیم معیشت و اداره زندگانی بر خلاف سائر ادبای معاصر که با اصراف و تبذیر می زیستند لباقت خوبی از خود

بروز داده از جاده اعتدال خارج نمیگردید باین سبب رفته رفته ثروت بسیار بر مالک گردیده در مسقط الراس خود استراتفورث خانه و باغی عالی خریداری کرده صاحب هستی شد .
در سال ۱۶۰۴ مشارالیه پیشه اکتوری را حقیر دیده علاو تا طوریکه از اشعار خودش هم معلوم می شود از کار مذکور خسته شده بود باین سبب از شغل تاجر مستعفی گردیده تا سال ۱۶۱۱ مصروف نوشتن بوده و در عرض همین پنج سال کلیه آثار گران قیمت خود را تخریب کرده در سنه ۱۶۱۱ از لندن به استراتفورث مراجعت نموده بقیه حیات خود را براحث و معاشرت بادوستان بسر برد و یکی دو اثر بزرگ خود را هم در استراتفورث نوشت .

شکسیر آن ادیب فرزانه انگلستان در ۲۳ اپریل ۱۶۱۶ مصادف روز تولد خود بدرود حیات گفت ولی نام خود را در دفتر ادبای نامی بشریت ثبت نمود . قبر او در کلیسای استراتفورث و روی لوحه او این جمله از زبان خود او کنده شده است :

رفیق عزیزم ترا بحضرت مسیح سوگند . از نیش این مشت خاک صرف نظر کن . رحمت بر آنکه سنگ قبر مرا بجای خود گذارد و فرین بر آنکس که استخوانهای مرا از اینجا حرکت دهد .

حیات فکری و روحی ، آثار و شاهکارهای او .

نواع درزندگانی ظاهری خود با سایر مردمان چندان فرقی و اختلاف ندارند اما زندگانی آنها خاصه شعرا و نویسندگان از ناحیه حیات روحی و فکری شان خیلی اهمیت دارد چه شخصیت و عظمت واقعی افراد از نقطه نگاه مقاصد بلند و افکار و احساسات درونی آنها شناخته میشود نه از اوضاع حیات مادی و تجمل ظاهری ایشان . . . !

همین لحاظ و قبحه ما بحیات فکری و روحی این نویسنده بزرگ غور کنیم آنوقت به نبوغ و عظمت ایدآل او پی برده می بینیم که با وجود آنکه بسیاری نویسنده گان و شعرای دیگر از جهت زندگی مادی و ظاهر بروا تمایز داشتند ولی ادماغ این شاعر و نویسنده زنی با آئینه شفاقی تشبیه میشود که تمام چیزهای قابل درك در آن منعکس گردیده هیچ فکر توانائی در ادب سراغ نداریم که مغز نفیس او قابل درك آن نباشد . شکسیر عموم طبقات مختلفه اجتماع را با نظر دقیق نگریسته و افکار و قریب آنها را فهمیده و ترجمانی کرده است اوضاع اجتماعی ملل مختلفه عالم را از قبیل یونان ، روم قدیم تا انگلیس ، فرانسه و ایتالیا را در قرون متنوعه چنان تجسم داده مثل اینکه همان ملل را بچشم خود دیده و زبان شان را فهمیده و بزبان هر کدام از آنها گفتگو میکند . خداوند این نویسنده بلند قریحه را با اندازه ذکاء عنایت کرده بود که صحنه وسیع عالم با تمام اسرار و زیائتی و تعالیم و رموز اخلاق آن در نظر او روشن و قریحه عالی او سر تا سر آن سیر و پرواز می نمود . اکثر نواع جهان دوجاریك تقبسه که آنهم سرکشی نفس و عدم موازنه عقل و احساسات آنها بوده شده اند ولی برخلاف دیگر ادبا قوه عقلانی شکسیر بدرجه مستعد بود که توازن عقل

واحساسات را مشارالیه در تمام موارد حفظ کرده نوشتجات او نهایت بلیغ و متین و خالی از نقص و انتقاد ادبی است. زیرا اگر تحریرات او بیک نظر اجمالی دیده شود اشخاص حساس میدانند که شکسیر مانند یک نقاش زبردست و ماهر حقایق و افعات را به نهایت دقت رنگ آمیزی نموده و ساده تجسم داده است کسانیکه استعداد فطری و ذکاوت ذاتی را باعث به وجود آوردن یک اثر مهم میدانند اگر بلکه آثار شکسیر غورکنند بدرستی اقرار خواهند نمود که در تحریر آثار بلند، داشتن استعداد فطری و زیادتی سن و تجارب زیاد هم لازمی است زیرا هر قدر که سن و تجارب این ادیب دانشمند بلند رفته بود اثر پختگی و متانت در آنها زیاد تر دیده میشود آثار دوره جوانی شکسیر از قبیل (هانزی تشم) «مضحکه اشقبا هات» «دو اصلیل زاده از حیث اسلوب و انسجام کلام و طرز تفکر بمراتب از آثار دوره کهنوت و پختگی او پائین تر است از شاهکارهای گران قیمت این نویسنده که مهم ترین آنها «تاجر ویتزی» «رمبو جیورلیت» «خواب یکشب تابستان» «بیل شما» «هاملت» «مکتب» «عاصفه» «اوتیلو» است بعد از ۱۶۰۴ که قوه و استعدادش بحد کمال رسیده بود با اثر آمده اند. از مزیت نوشته جات شکسیر یکی این است که نویسنده اخلاق و روحیات شخصی خود را هیچ گاه در نیکارشهای خود نمی گنجاند. فهرمانان روایات او هم تماماً افراد حقیقی و مستقلی بوده که دارای اخلاق و سجایای خاص میباشند اخلاق و روحیات شخص نویسنده از همه بلند تر در پس برد* مقهور و مخفی است این اختفای شخصیت نویسنده از بزرگترین امتیازات نویسندگی است که بدون شکسیر عده قلیلی از ادبا دارای این ممیزه بوده اند.

سبک انشای شکسیر در نهایت سلاست و بلاغت و گفتار او تماماً متین و پر معنی است برای اظهار افکار عمیق و تفیلات بلند و احساسات نازک او با مستثنای سبک و اسلوب بدیع خودش هیچ یک سبک و اسلوب دیگر کافی نیست افکار و خیالات او نیز طوری است که جز در انشای سبک خود او در هیچ لباس دیگری نمی گنجد. *رساله علم اسامی*

شکسیر بجای آنکه قصه و سرگذشت فهرمانان روایات خود را در پیش خود نسج نماید اکثر آنها را از کتب تاریخ و ادبیات اقتباس نموده و در انتخاب آن ها منتهای سلیقه و حسن ذوق را بکار برده است چنانچه بدون مطالب بسیار مهم و جالب توجه چیز دیگری را نگرفته و آنچه را اقتباس نموده بمیل خویش در آن تصرفات و رزیده ذوق و قریحه سرشارش همات روایات را تماماً بشکل و قایع نهایت دلکش و جذاب برشته تحریر کشیده است.

شکسیر نظر به تمام نویسندگان جدید و قدیم با روح انسانی بیشتر سر و کار دارد و آثار او تماماً مطالعاتی است در اوضاع روحیه بشری باین جهت نیکارشهای او بزلالی تشبیه میشود که از نکات فلسفی خود عطش خوانندگان را تسکین میدهد جلالت کوچک منثور او باندازه متین و بلیغ افناده که هیچ شعر موزون دیگر ادبا با بلندی معانی و رموز حکیمانه آن طرف مقایسه واقع شده نمیتواند.

راجع زندگانی میگوید :

« زندگانی بیکر متحرك و باز بیکر حقیری است که ساعتی در صحنه نمایش ظاهر میشود و کلمه چند کلمه گامی چند می بردارد و بعد از آن دیگر علامه از او باقی نمی ماند یا حیات انسانی قصه ایست که دیوانه آنرا حکایت میکند اگر چه بر از قبل و قال و شور و حرارت است ولی معنی صحیح از آن فهمیده نمی شود »

شکسیر وسیله ملکه بلند روح شناسی اساس ادبیات خود را بر شالوده ریخته است که شاه کارهای او در طول ۴ قرن محبوب و جالب انظار خواص و عوام بوده هر طبقه در آشنای خواندن افکار و احساسات خودشان را در قالب مندرجات آن می یابد —

در اروپا و امریکا هیچ طفل مکتبی نیست که از زمان خوردی تا بزرگی يك قسمت از آثار مهم او مانند «مملت» (تاجر و پتزی) و رمیو جیولیت او را با خود نداشته و نخوانده باشد گویا آثار او در غرب عیناً مثال بوستان و گلستان حضرت سعدی را در اکثر ممالک فارسی داراست که در هر وهله حیات هر دفعه که انسان شاهکارهای ایشان را می خواند هر شخص مطابق حال سن و تجربه یا وسعت فکر و استعداد روحی خودش نکته بکر و تازه ای را مطابق ذوق و سلیقه که دارد در آنها درك میکند باین مناسبت نوشتجات و نکات حکیمانانه شکسیر نیز هرگز گفته نمیشود بلکه هر قدر وقت بگذرد و تمدن بلند تر گردد و در نتیجه آن عظمت فکر و احساسات بشری رفیع تر شود بر مقام و منزلت او خواهد افزود از آثار این شاعر و فیلسوف نامی بقدریکه کتب معلومات نموده ایم قرار آتیست :

شوشکه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

موفقات شکسیر :

منظوم و مقفی :

سنه تالیف

۱۵۹۳

Venus & Adonis

وینس و آدنس

۱۵۹۴

Lucrece

لیوکریس

۱۵۹۸

Sonnets

سائیت (هفت بیتی که در فارسی سابقه ندارد)

اسم اثر	سند تالیف
درامها:	تاریخ
هنری ششم جزء اول	Henry XI, Part 1.
" " " دوم	" " " " 2.
" " " سوم	" " " " 3.
مضحکة اشتباهات	Comedy of Errors کمیدی
رام ساختن زن سرکش	Taming the Shrew
ریچارد دوم	Richard II تاریخ
" سوم	" " III
رومیو و جیولیت	Romeo & Juliet تراژدی
کوشش نارسای عاشق	Loves Labour Lost کمیدی
تائی تیس اندرونیکیس	Titus Andronicus تراژدی
دواصیل زاده و بیرونه	Two Gentlemen of Verona کمیدی
النعل بالنعل	Measure for Measure
رویای بکشب تابستان	A Midsummer Night's Dream
ناجروینزی	The Merchant of Venice
جاهن	John تاریخ
زبان خندان و ندمر	Merry Wives of Windsov کمیدی
هنری پنجم	Henry V تاریخ
" چهارم جزء اول	Henry IV Part 1.
" " " دوم	" " " " 2.

سنه تالیف	اسم اثر
۱۵۹۸-۹	کوه کندن گاه بر آوردن Much Ado about Nothing کمیدی
۱۵۹۹-۶۰۰	جولیس سی زر Julius Coesar تراژدی
۱۵۹۹-۶۰۰	انتونی کلویانزه » Antony & Cleopetra
۱۶۰۰-۰	بمیل شما As you like it کمیدی
۱۶۰۰-۱	هملت شهزاده دنمارک Hamlet تراژدی
۱۶۰۱-۰	تراپلس کریستیدا » Troilus & Cressida
۱۶۰۱-۲	شب دوازدهم Twelfth Night کمیدی
۱۶۰۱-۲	انجم بخیر » All's Well that Ends Well
۱۶۰۴-۵	اوتیلو Othello تراژدی
۱۶۰۵-۶	مکبث » Macbeth
۱۶۰۵-۶	لیر » Lear
۱۶۰۷-۸	کوری یولنیس » Coriolanus
۱۶۰۸-۹	بری کلز Pericles کمیدی
۱۶۰۹-۱۰	سمباین Cymbeline
۱۱۱۰-۱۱	افسانه سرما » A Winter's Tale
۱۶۱۱-۱۲	طوفان » Tempest
۱۶۱۲-۱۳	هنری هشتم Henry VIII تاریخ

